296459 ـ آیا اعمال ما بر پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ عرضه می‌شود؟

سوال

آیا اعمال ما بر پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ عرضه می‌شود؟ و آیا حدیث صحیحی در این باره هست؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

ثابت آن است که درود مسلمانان بر پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ به او می‌رسد و بر وی عرضه می‌شود.

از اَوس بن اَوس روایت است که رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: «از بهترین روزهای شما روز جمعه است؛ در این روز آدم آفریده شد و در این روز از دنیا رفت و در این روز در صور دمیده می‌شود و [خلائق در اثر آن] بیهوش می‌شوند، پس در آن بسیار بر من درود بفرستید زیرا درود شما بر من عرضه می‌شود» گفتند: ای رسول الله، چگونه درود ما بر شما عرضه می‌شود حال آن‌که [بدن] شما پوسیده است؟

فرمود: «الله عزوجل بدن‌های پیامبران را بر زمین حرام ساخته است» به روایت ابوداوود (۱۰۴۷) و نسائی (۱۳۷۴) و آلبانی در «إرواء الغلیل» (۱/ ۳۴) آن را صحیح دانسته است.

و از عبدالله بن مسعود روایت است که رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: «همانا الله ملائکه‌ای دارد که در زمین سیر می‌کنند و سلام امتم را به من می‌رسانند» به روایت نسائی (۱۲۸۲) و آلبانی در «سلسلة الأحاديث الصحيحة» (۶/ ۸۴۲) آن را صحیح دانسته است.

اما دیگر اعمال، نص صحیحی در وحی سراغ نداریم که این اعمال بر ایشان عرضه شود.

هرچند حدیث سابق ابن مسعود را «بزار» با زیاده‌ای در پایان آن آورده که اعمال امت نیز بر ایشان عرضه می‌شود. بزار در مسند خود (۵/ ۳۰۸) آورده است:

«یوسف بن موسی به ما حدیث گفت که عبدالمجید بن عبدالعزیز بن ابی رَوّاد از سفیان از عبدالله بن سائب از زادان از عبدالله از پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ روایت کرده‌اند که فرمود: «همانا الله ملائکه‌ای دارد که از سوی امت من سلامشان را به من می‌رسانند».

گفت: و رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمود: «زندگی‌ام به خیر شماست، با من [از آن‌چه معنایش برایتان واضح نیست] سخن می‌گویید و با شما [برای رفع آن اشکال] سخن می‌گویم و وفاتم به سود شماست، اعمالتان بر من عرضه می‌شود، پس هر خیری ببینم برای آن حمد الله می‌گویم و هر شری ببینم برایتان از الله آمرزش می‌خواهم».

این بخش پایان حدیث را از روایت عبدالله نمی‌شناسیم جز از این وجه و با این سند».

شیخ آلبانی وجه ضعیف بودن آن را شرح داده و بیان کرده که این حدیث را چند راوی بدون این اضافهٔ پایان آن مبنی بر عرضهٔ اعمال، روایت کرده‌اند و تنها عبدالمجید بن عبدالعزیز بن ابی رَوّاد این بخش را روایت کرده که اهل علم دربارهٔ ضعف حفظ او سخن گفته‌اند بنابراین اضافهٔ فوق بر اساس قواعد علم حدیث شاذ است و مردود؛ شیخ آلبانی ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

«گروهی از ثقات بر روایت این حدیث از سفیان اتفاق نظر دارند، به جز بخش آخر حدیث (زندگی من...) سپس متابعهٔ او توسط اعمش، که این نزد من نشانگر شاذ بودن این زیاده است، به سبب آن‌که تنها عبدالمجید بن عبدالعزیز آن را روایت کرده به ویژه آن‌که دربارهٔ حفظ او سخن گفته‌اند، با آن‌که او از رجال مسلم است و گروهی او را ثقه دانسته‌اند و گروهی ضعیفش دانسته‌اند برخی سبب این تضعیف را بیان کرده‌اند:

خلیلی می‌گوید: «ثقه است، اما در برخی احادیث دچار خطا شده است».

نسائی می‌گوید: «قوی نیست، حدیثش نوشته می‌شود».

ابن عبدالبر می‌گوید: «از مالک احادیثی روایت کرده که در آن دچار خطا شده است».

ابن حبان در «المجروحین» (۲/ ۱۵۲) می‌گوید: «بسیار منکر الحدیث است، اخبار را زیر و رو می‌کند و احادیث منکر را از مشاهیر نقل می‌کند بنابراین شایستهٔ ترک است».

می‌گویم: به همین سبب حافظ ابن حجر در «التقریب» می‌گوید: صدوقی است که دچار اشتباه می‌شود».

با دانستن آن‌چه گذشت، سخن حافظ هیثمی در «المجمع» (۶/ ۲۴) که دربارهٔ این روایت می‌گوید: «بزار آن را روایت کرده و رجال آن رجال صحیح‌اند» این توهم را ایجاد می‌کند که در سند این روایت شخص مشکل‌داری نیست! و چه بسا سیوطی نیز فریب همین سخن را خورده آن‌جا که در «الخصائص الکبری» (۲/ ۲۸۱) می‌گوید: «سندش صحیح است».

برای همین می‌گویم: سخن حافظ عراقی ـ شیخ هیثمی ـ در بیان حقیقت سند بزار در «تخریج الإحیاء: ۴/ ۱۲۸) دقیق‌تر است چنان‌که می‌گوید: «رجال آن رجال صحیح‌اند جز این‌که عبدالمجید بن ابی رواد اگرچه مسلم از او روایت کرده است و ابن معین و نسائی او را ثقه دانسته‌اند، توسط برخی تضعیف شده است».

می‌گویم: اما سخن او، او یا فرزندش، در «طرح التثريب في شرح التقريب» (۳/ ۲۹۷) که می‌گوید: «سندش خوب است» نزد من خوب نیست. در صورتی این‌طور بود که عبدالمجید در آن‌چه بیان شد با ثقات مخالفت نمی‌کرد و این مخالفت همان علت (اشکال مخفی) حدیث است، هر چند کسی را نیافتم که به این مورد اشاره کرده باشد یا نظر را به آن جلب کرده باشد جز ابن کثیر در سخنی که از کتابش البداية نقل کرده‌ام» والله اعلم.

آری، سند این حدیث به شکل مرسل از بکر بن عبدالله مزنی صحیح است...

خلاصهٔ سخن آن‌که: این حدیث با همهٔ طُرُق آن ضعیف است که بهترینش حدیث بکر بن عبدالله مزنی است که آن هم مرسل است و نزد محدثان حدیث مرسل از جملهٔ ضعیف است» (سلسلة الأحاديث الضعيفة: ۲/ ۴۰۴-۴۰۶).

برای مطالعهٔ بیشتر به کتاب «الإرشادات في تقوية الحديث بالشواهد والمتابعات» اثر شیخ طارق عوض الله (۳۶۵-۳۶۸) مراجعه کنید.

از سوی دیگر احادیث صحیح‌تر در تعارض با این روایت قرار دارد و آن چیزی است که از تنی چند از صحابه رضوان الله علیهم روایت شده از جمله ابن عباس ـ رضی الله عنهما ـ که گفت: رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ برای ما خطبه گفت و فرمود: «ای مردم، شما پابرهنه و لخت و ختنه نشده به سوی الله محشور خواهید شد» سپس فرمود: كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعْدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ [انبياء: ۱۰۴] (همان‌گونه که بار نخست آفرینش را آغاز کردیم دوباره آن را بازمی‌گردانیم، این وعده‌ای است بر عهدهٔ ما که انجام دهندهٔ آنیم) تا آخر آیه، سپس فرمود: «آگاه باشید که اولین خلایق که در قیامت پوشانده می‌شود ابراهیم است، بدانید که مردانی از امت من آورده می‌شوند و به سمت چپ برده می‌شوند، پس می‌گویم: پروردگارا، یارانم! پس گفته می‌شود: تو نمی‌دانی که آنان پس از تو چه کردند، پس سخن آن بندهٔ صالح (عیسی مسیح) را می‌گویم که: وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ [مائده: ۱۱۷] (و تا وقتی در میانشان بودم بر آنان گواه بودم پس چون مرا برگرفتی، تو خود بر آنان نگهبان بودی و تو بر هر چیز گواهی)» به روایت بخاری (۴۶۲۵) و مسلم (۲۸۶۰).

والله اعلم